

کار آفرین پرووری

مادران

حکم زاده

## چگونه کودکان خود را کارآفرین بار بیاوریم؟

سرچشمه کارآفرینی و ریشه‌های آن را باید در کجا جست؟ ژنتیک، محیط، و یا برای مثال فرهنگ خانواده؟ تصور بسیاری چنین است که افراد از شکم مادر خود کارآفرین زاده می‌شوند، چرا که کارآفرینان دارای خصوصیتی هستند که افراد عادی از آن بی‌بهره‌اند.

اما شواهد حاکی از آن است که روحیه کارآفرینی بر بستر ارزش‌های فرهنگی و خانوادگی و از بدو کودکی شکل می‌گیرد. افراد با تفکر کارآفرینی از همان آغاز کودکی می‌آموزند که به خود متکی باشند، مستقل باشند، در تصمیم‌گیری قاطع باشند و کمی جاه‌طلب بوده و قواعد و دستورالعمل‌ها را به چالش بکشند.

کمرن هرولد از جمله کارآفرینان مطرح کسب و کار، در یکی از سخنرانی‌های انگیزشی خود مروری بر مسأله کارآفرینی می‌کند و آن را مورد تحلیل قرار می‌دهد. وی می‌گوید که همیشه در مدرسه شاگرد گردن‌کشی بوده و درسش هم خوب نبوده است. اما هرولد نقطه قوت خود را عشق به کسب درآمد و کاسبی از همان ابتدای کودکی می‌داند.

او اعتقاد دارد که فرهنگ خانوادگی‌اش از او یک کارآفرین ساخته است. هرولد اعتقاد دارد که بسیاری از شایستگی‌ها و استعداد‌های کودک از همان ابتدا در نطفه خفه می‌شوند و به شکوفایی نمی‌انجامند. کمرن هرولد تنها ۸ سال داشت که توانست در رقابت‌های سخنرانی و فن بیان مدرسه برنده شود، اما به قول خودش هیچ‌کس التفاتی به این شایستگی و پرورش آن نداشت و در عوض همواره او را به درس خواندن تشویق می‌کردند. بگذریم که حتی کلاس‌های خصوصی هم نمی‌توانست از پس این کودک جاه‌طلب برآیند. به عقیده او دنیای کنونی بیش از پزشک و وکیل و مهندس به افراد کارآفرین نیاز دارد.

کسانی که ایده‌های زیادی در سر دارند و برای اجرایی کردن آن‌ها سر از پا نمی‌شناسند و یا متوجه کمبودهای موجود در دنیا می‌شوند و تصمیم می‌گیرند که قاطعانه راه حلی برای این نیازها بیابند. هرولد اعتقاد دارد که فرهنگ خانواده و یا جامعه باید به گونه‌ای باشد که به کودکان ماهیگیری یاد بدهد نه آن‌که به او ماهی بدهد. در همین رابطه ضرب‌المثل قدیمی با این مضمون وجود دارد که «اگر می‌خواهی به فردی یک روز غذا بدهی، به او ماهی بده. ولی اگر می‌خواهی همه عمر او را سیر کنی، به او ماهیگیری یاد بده.» در واقع این ضرب‌المثل بیان‌گر رسالت کارآفرینی در جامعه است و ضروری است که کودکان را با همین طرز فکر، فردی کارآفرین بار

بیآوریم.

نظام آموزشی و تربیتی موجود به کودکان می‌آموزد که تنها دنبال مشاغل اصطلاحاً با پرستیژ اجتماعی باشند و کمتر شنیده می‌شود که کودکان تشویق به کارآفرین شدن بشوند. رسانه‌ها نیز مدام بر طبل مشاغل لوکس می‌کوبند و خوانندگی، مدلینگ و یا فوتبالیست شدن را در گوش به MBA کودکان زمزمه می‌کنند. حتی در سطوح بالاتر نیز عمده‌ی برنامه‌های آموزشی رشته جای نهاده‌ی کردن تفکر راهبردی و اجرایی، افراد را تشویق می‌کنند که در شرکت‌های بزرگ به عنوان مدیر و یا کارمند به استخدام درآیند.

حال آن‌که کارآفرینی منبع پایدار خلق ثروت و ارزش اجتماعی است و کارآفرینان هر جامعه‌ای مروج فرهنگ، روحیه رقابت‌پذیری، نواندیشی و پویایی اقتصادی آن جامعه هستند. یک کارآفرین، کارآفرین به دنیا نمی‌آید، و افراد می‌توانند از همان بدو کودکی به گونه‌ای تربیت شوند که با ذهنی جستجوگر و پویا به دنبال یادگیری و درک زاویه‌های پنهان هر پدیده باشند و روحیه کارآفرینی داشته باشند.

حتی عوامل درونی و ذاتی مرتبط با کارآفرینی را می‌توان با آموزش، تقویت و یا ترمیم کرد.

کارآفرینان احساسی ریشه‌دار درون خود دارند که مدام آن‌ها را به سمت تولید و خلق ثروت و یا ایجاد و راه‌اندازی کسب و کارهای جدید سوق می‌دهد و این نیاز درونی و ارضای آن همواره موجی از شادی و رضایت را درونشان پدید می‌آورد.

از این رو می‌توان کودکان را به گونه‌ای بار آورد که استراتژیک فکر کنند، مثبت‌اندیش باشند و عزت نفس بالایی داشته باشند، با آغوش باز انواع مخاطرات را به جان بخرند، تکرار گریز باشند، استقلال داشته باشند، به پول احترام بگذارند و کار را نوعی تفریح در نظر بگیرند.

کمرن هرولد در گفت و گوهای خود به مطالبی جالب توجه در خصوص کارآفرینان اشاره می‌کند. او بیان می‌کند که بسیاری از کارآفرینان در بچگی با مدرسه مشکل داشته‌اند و از اختلالاتی مثل اختلال کم‌توجهی رنج می‌برده‌اند.

چگونه کودکانی کارآفرین داشته باشیم؟

کارآفرینی آمیزه‌ای از شایستگی‌های ذاتی و اکتسابی است، و فرهنگی که افراد در آن رشد می‌کنند تأثیر بسزایی بر کسب تفکر کارآفرینی دارد.

- به کودکان خود مسئولیت دهید و آن‌ها را با پس‌انداز آشنا کنید

آموزش مسئولیت‌پذیری شاید بزرگ‌ترین هدیه‌ای باشد که والدین می‌توانند به کودکان خود بدهند. به کودک خود اجازه دهید که در کارها به شما کمک کند. حتی اگر دست و پاگیرتان شود و یا کارها را خراب کند. مسئولیت‌پذیری یک عنصر برجسته در موفقیت بشر است.

مسئولیت‌پذیری امری ذاتی نیست بلکه از متن خانواده و در اثر تعاملات اجتماعی رشد می‌یابد. لذا باید به کودکان بیاموزیم که آن‌ها زندگی جداگانه‌ای دارند و باید خود به تنهایی گلیمشان را از آب بیرون بکشند. از ناکامی‌های کودک خود ناخرسند نشوید، بلکه با همدلی او را به راه درست هدایت کنید. بازی‌ها می‌توانند عاملی اساسی در گذار به مسئولیت‌پذیری باشند، لذا با استفاده از

ابزار بازی به کودکان خود یاد بدهید که چگونه کار کنند و چگونه با دیگران تعامل و بده بستان داشته باشند. به شکل بجا و مناسب از پاداش بهره ببرید و بیشتر از پاداش‌های غیرمادی برای انگیزش کودکان استفاده کنید.

کمرن هرولد در دوران کودکی و به لطف سخت‌گیری‌های دلسوزانه پدر یاد گرفت که چگونه با فروش ضایعات کارگاه پدر خود از زباله کسب درآمد کند. او آموخت که چگونه با خرید کتاب از بچه‌های فقیر و فروش آن به بچه‌های ثروتمندتر، ارزان بخرد و گران بفروشد، او اهمیت مشتریان تکراری را با مراجعه منظم برای کوتاه کردن چمن حیاط همسایه‌ها آموخت، او یاد گرفت که چگونه با مشتری بر سر تنها چند پول سیاه مذاکره کند و چگونه نیاز مشتری را به او یادآور سازد. او یادآور سازد. او یاد گرفته بود که پول خود را هدر ندهد، چرا که یک بار پدرش مجبورش کرده بود که سکه‌ای را که تصادفاً از جیبش افتاده بود و وسط خیابان رفته بود را برگرداند. به نظر هرولد دادن پول توجیبی به کودکان آن‌ها را کارمند مأب بار می‌آورد و موجب می‌شود که کودکان در آینده تنها چشم انتظار کسی باشند که آن‌ها را استخدام کرده و سر هر ماه حقوقشان را بدهد. پس انداز، مدیریت پول و هزینه کردن آن را به کودکان خود یاد بدهید.

\*به کودکان خود بیاموزید که چگونه فرصت‌ها را کشف و از آن‌ها بهره‌برداری کنند برای مثال از آن‌ها بخواهید که در خانه بچرخند و چیزهایی را که نیاز به تعمیر دارد بیابند. سپس با آن‌ها مذاکره کنید و به جای پول توجیبی به ازای یافتن هر فرصت به آن‌ها دستمزد بدهید.

• \*ارزش پول را به آن‌ها یادآور شوید

باید این درک را در کودکان خود به وجود آورید که زندگی آسوده آن‌ها حاصل ایثار و کوشش‌های طاقت‌فرسای والدین است. آن‌ها باید پی به ارزش پول ببرند و نحوه‌ی کسب و هزینه‌کرد آن را بیاموزند. لذا این احساس را در آن‌ها به وجود آورید که گویی عهده‌دار اداره‌ی یک کسب و کار

هستند و باید در این راه آزمون و خطا کرده و برای نیل به اهداف خود مبارزه و از سد مشکلات گذر کنند.

### \*تفکر تحول‌گرا و ریسک‌پذیر را به کودکان بیاموزید

به عقیده‌ی بسیاری از کارآفرینان تغییر تنها عامل ثابت است. لذا باید به کودکان میدان داد که مشاغل و کارهای مختلف را تجربه کنند. کارآفرینان خطرپذیرند و می‌توانند به راحتی از ناحیه آسایش خود فاصله گرفته و حرفه‌های گوناگون را تجربه و یا فرصت‌های تازه را کشف کنند.

### \*کودکان خود را به کسب مدارج علمی دانشگاهی تشویق کنید

کسب مدارج علمی دانشگاهی تجربه‌ای مفید برای کودکان خواهد بود، اما نباید آن‌ها را در قید و بند مدرک‌گرایی محدود کند. به این ترتیب آن‌ها به بینشی عمیق نسبت به مباحث مختلف دست می‌یابند.

### \*پرورش کودکانی سالم

افراد کارآفرین سخت‌کوشند و ساعت‌های زیادی را به کار می‌پردازند، بنابراین باید از نظر جسمانی قبران باشند تا ذهنی سالم داشته باشند، و به قول معروف عقل سالم در بدن سالم است.

همیشه مذاکره و پرهیز از نق‌زدن را به آن‌ها بیاموزید. گاه به جای این‌که شما برای کودکان تان قصه‌گویی کنید، از آن‌ها بخواهید که برای شما داستان بگویند، این کار موجب شکوفایی تفکر

خلاق، عزت نفس و مهارت فروش را به آن‌ها می‌آموزد

روش‌های تعامل با افراد بد و خوب را به آن‌ها بیاموزید تا در آینده بتوانند به خوبی از عهده‌ی

اداره‌ی کارمندان‌شان بر بیایند.

کودکان خود را جلوی جمع ببرید و از آن‌ها بخواهید که گاهی برای دیگران سخنرانی کنند. زمانی که با هم بیرون می‌روید مثلاً به یک رستوران، به او بیاموزید که فرق بین خدمات بد و خوب چیست و چرا نباید به مشتری خدمات نامناسب ارائه کرد.

به آن‌ها اجازه دهید که وسایل و اسباب بازی‌های کهنه خود را به دیگران بفروشند.

#### نکته مهم:

باز هم یادآور می‌شوم تیپ شخصیتی انسان تا قبل از ۱۵ سالگی شکل می‌گیرد. در بزرگسالی سعی نکنید فردی را با آموزش کارآفرین کنید، چون کارآفرینان از تیپ‌های شخصیتی حرکتی برخوردار هستند. اینان قدرت ریسک‌پذیری بالایی دارند، اما اگر کسی تیپ شخصیتی ذهنی داشته باشد، او انسان محتاطی است که برای شغل‌های مطالعاتی و محاسباتی مناسب است اما برای کارآفرینی توصیه نمی‌شود. به زبان ساده بگوییم، کارآفرینی به حوزه دل (به قول ایرانیها فرد باید جگر داشته باشد) برمی‌گردد. اما آموزش مربوط به حوزه مغز است. ما با آموزش انسان را عامل می‌کنیم، اما نمی‌توانیم با آموزش او را عامل بار بیاوریم. بهترین راه این است که انسانهای دارای تیپ‌های شخصیتی حرکتی را که ذاتاً عامل هستند را با آموزش در مسیر صحیح تر قرار دهیم. پس توصیه می‌کنم اگر می‌خواهید فرزندان کارآفرین بار بیاید، از کودکی تعلیم او را شروع کنید.

۱- آرزوی هر پدر و مادری استقلال و موفقیت فرزندان است. واقعیت این است که الگوی قدیمی،

کسب مدرک دانشگاهی، پیدا کردن شغل ثابت و بالا رفتن از پله‌های ترقی این روزها جواب نمی‌دهد. افزایش جمعیت، بحران‌های اقتصادی، جهانی شدن، کاهش قدرت کسب درآمد، بازارهای اشتغال ایستا همه و همه خبر از آینده شغلی مبهم این نسل می‌دهد.

جوانی که تازه تحصیلات خود را به پایان رسانده ماه‌ها و اغلب سال‌ها دنبال کار می‌گردد. کارآموزی‌هایی که حتی بعد از شش ماه فعالیت هیچ دستمزدی به شخص پرداخت نمی‌کنند! ظاهر اوضاع خوب نیست! حال وظیفه ما در قبال کودکان

:. آموزش کارآفرینی به کودکان است

کارآفرینی کودکان را مستقل و موفق بار می‌آورد و به آن‌ها می‌آموزد زندگی هدفمند و مستقلی در سایه کارآفرینی برای خود رقم بزنند. به آن‌ها می‌آموزد از پس زندگی خود آن‌هم در این را ادامه داده ویژگی ضروری هنر کارآفرینی را باهم مرور. شرایط پیچیده و بی‌رحم بر بیابند می‌کنیم و وظیفه شما به عنوان پدر یا مادر پرورش این ویژگی‌ها در فرزندان است.

### معرفی پول و فرایندهای مالی -۱

شناخت فرایندهای مالی یکی از اساسی‌ترین نیازهای فرزندان امروز است. متأسفانه مدارس به این موضوع خیلی توجه نمی‌کنند. شما هم این موضوع را پناه‌برخدا کنار نگذارید و برعکس پای کار بمانید و به بچه‌ها بفهمانید که پول ارزش دارد و یک ریال هم یک ریال است. سرمایه‌گذاری و پس‌انداز را به آن‌ها بیاموزید و در مورد راه‌هایی که می‌توان از پول، پول درآورد صحبت کنید. در بحث‌های مالی خانواده کودکان را شرکت بدهید و از آن‌ها نظرخواهی کنید. مثلاً



بپرسید که به نظر آن‌ها برای چه موضوعی باید پول پس‌انداز کنید. ایجاد حس مسئولیت و اعتماد به کودکان ذهن کارآفرین ایشان را تقویت می‌کند.

## ۲- تمرین کارآفرینی

به کودکان بیاموزید که جهان اطراف پر از فرصت‌های شغلی است و فقط به کمی دقت و توجه نیاز دارد و الزما نباید به دنبال استخدام باشند. پس دفعه بعدی که از شما پول خواست به او پیشنهاد کنید که به اطراف توجه کند و پول موردنیاز را خودش تهیه کند.

کامرون هرولد می‌گوید: از کودکی کارآفرینی را آموخته و به همین دلیل از فرزندان خودش می‌خواهد که به محیط اطراف خانه نگاه کنند و کارهایی را که لازم است انجام شوند پیدا کنند و شما نیز [ویدئو سخنرانی هرولد در سایت تد] .سپس باهم در مورد قیمت هر کار بحث کنند می‌توانید کارآفرینی را با انجام پروژه‌های سبک شروع کنید مثل فروختن اسباب‌بازی‌های قدیمی از طریق فروشگاه‌های اینترنتی. با این حرکت کودکان باقیمت‌گذاری، بازاریابی و حتی شیوه‌های کلاهبرداری از آن‌ها آشنا می‌شوند و آن‌ها را با ترس‌های جهان واقعی روبه‌رو می‌کند.

## 3- تقویت حس کنجکاوی و جست‌وجو

در کنار جست‌وجو سؤال پرسیدن را در کودکان خود نهادینه کنید. اجازه ندهید که با راه‌حل‌های تکراری با مشکلات مواجه شوند. مطالعه کنند و تا می‌توانند بیاموزند تا با ایده‌ها و روش‌های کنجکاوی را یک عامل کلیدی (eBay جدید با مسائل روبه‌رو شوند. پیر امیدیار (موسس شرکت در شناخت و درک جهان می‌داند. امیدیار به لطف زمینه‌های فرهنگی والدینش با دو فرهنگ ایرانی و فرانسوی آشنایی داشته است و می‌گوید: آشنایی با این فرهنگ‌ها به من آموخت که یک

موضوع را از زوایای مختلف می توان دید و مجبور نیستید کارها را همان طور که قبلاً انجام می شده

انجام بدهید.

اجازه بدهید کودکان با محیط پیرامون ارتباط برقرار کنند با آدم هایی از صنف های مختلف البته

مراقبشان باشید. فرصت های خوبی منتظرشان است

#### 4-هدف گذاری و برنامه ریزی را به آنها بیاموزید

هدف گذاری و برنامه ریزی دو بخش جدایی ناپذیر فرایند کارآفرینی هستند. هرچه زودتر این دو

را (S.M.A.R.T) عادت مثبت به کودک آموخته شود بهتر است. به کودکان خود تکنیک اسمارت

بیاموزید که اهداف شامل این ۵ ویژگی باشد : خاص، قابل اندازه گیری، قابل دستیابی ، واقع گرایانه

و زمان بندی شده باشد. از آنها بخواهید ۵ هدفی که ویژگی های ذکر شده را دارند بنویسند.

تحقیقات نشان می دهد که نوشتن اهداف تا ۸۰ درصد احتمال دستیابی به آنها را بالا می برد. در

قدم بعدی از آنها بخواهید ۵ حرکت که برای رسیدن به این اهداف لازم است بنویسند. از آنها

حمایت کنید تا به اهدافی که تعیین کرده اند برسند با این کار کودکان ارزشمند بودن و موفقیت

فردی را از نزدیک لمس خواهند کرد

#### ۵-کارگروهی

هیچ کس به تنهایی کافی نیست. همه ما برای رسیدن به اهدافمان به دیگران نیاز داریم. همه

کارآفرینان برتر ارزش کار گروهی را به خوبی می شناسند. به کودکان بیاموزید که چگونه با دیگران

برای رسیدن به اهداف مشترک تلاش کنند. یکی از بهترین راهها تشویق کودکان به شرکت در

ورزش های گروهی است. ورزش به خوبی ارزش ها و قوانین کار گروهی را به کودکان می آموزد.

و صاحب تیم فوتبال آتلانتا معتقد Home Depot آرتور بلنک صاحب فروشگاه های زنجیره ایی

است که ورزش اهمیت کار گروهی را متذکر می شود

آرتور ۶ فرزند دارد که هر کدام از آنها در رشته های ورزشی خاصی فعالیت می کنند. آرتور معتقد است که ورزش به آنها می آموزد که چگونه از سد مشکلات بگذرند و چگونه تیم خود را رهبری کنند و الهام بخش ایشان باشند. همه مواردی که ذکر شد بخش های ضروری کارآفرینی هستند

#### ۶- کارهایی را که باکیفیت و خلاقانه انجام شده اند تشویق کنید

از بچه ها بخواهید که حتی فعالیت های ساده ای مثل انجام تکالیف را هم به بهترین نحو انجام بدهند. این کیفیت و خلاقیت حاکی از مسئولیت پذیری و قابل اعتماد بودن کودک است. حتی فعالیت های انفرادی مثل پیاده روی هم در پرورش استقلال کودکان مؤثر است. جان هوک کارآفرینی را به کوهنوردی تشبیه می کند و می گوید کارآفرین هم درست مثل کوهنورد خودش را در موقعیت های مخاطره انگیزی قرار می دهد و سپس توجه خود را معطوف به کم کردن خطرات می کند. فعالیت های باکیفیت و خلاقانه کودکان را با هدیه های مادی و معنوی می توانید تداوم بخشید

#### 7- آموختن از شکست ها

در مدرسه به کودکان می آموزند که شکست بد است! در حالی که شکست می تواند یک پیروزی باشد. ناپلئون هیل می گوید: ”در پس هر شکست موفقیتی بزرگ تر یا هم طراز نهفته است.“ به جای سرزنش و تنبیه کودکان سعی کنید عوامل شکست را بیابید و به دنبال چاره ای باشید تا از تکرار شدن آن جلوگیری کنید. به آنها بفهمانید که شکست به خودی خود بد نیست و می تواند افق روشنی در دست یابی به اهداف باشد

به آن‌ها بیاموزید که هرگز تسلیم نشوند و در بدترین شرایط دنبال راه حل باشند. در این صورت اگر با شرایط سختی مواجه شوند دست و پای خودشان را گم نمی‌کنند. هرکس که داشته در خوری دارد بارها و بارها شکست خورده است.

### 8- تقویت مهارت‌های ارتباطی

یکی از مهارت‌های ضروری که نیاز جوان امروز است همین مهارت‌های ارتباطی است. برقراری ارتباط مؤثر فرصتی است تا کودکان ایده‌های خود را بیان کنند و داشته‌های ذهنی خود را به‌وضوح به اشتراک بگذارند. این موضوع برگ برنده‌ای در زندگی هر فرد است.

کودکان را مؤدب و مبادی آداب تربیت کنید. به آن‌ها بیاموزید که قاطع و با اعتمادبه‌نفس سخن بگویند و از نظرات خود دفاع کنند. ارتباط چشمی در ارتباط‌های حضوری، بیان قاطع و روشن در ارتباطات تلفنی و رعایت اصول نگارشی در ارتباطات نوشتاری نکاتی است که باید مدنظر قرار دهند. مطمئناً این آموزش‌ها ثمرات مؤثری در آینده خواهد داشت.

### 9- خدمت به مردم

ارزش خدمت به مردم را به کودکان بیاموزید. همه کارآفرینان برتر به این اصل پایبند بوده‌اند. هر کاری بزرگی ارزش بزرگی می‌طلبد. زندگی فقط در برآورده کردن نیازهای مادی شما خلاصه نمی‌شود بلکه بخشی از آن بهتر کردن دنیا است. در حد توانتان نه بیشتر.

به کودکان بیاموزید که یک تجارت موفق منافع افراد زیادی را تأمین می‌کند. و درواقع صاحبان این تجارت‌ها با کمک به دیگران به خودشان کمک می‌کنند. از آن‌ها بخواهید تا به یک موسسه خیریه کمک مالی کنند یا حتی یک موسسه خیریه تأسیس کنند. این کار به زندگی‌شان معنا می‌بخشد و آن‌ها را به ارزش‌سازنده‌ای پایبند می‌کند.

## 10-انگیزش

بسیاری از کارآفرینان مهم‌ترین الهام‌بخش و انگیزاننده خود را پدر و مادرشان می‌دانند به‌عنوان مثال بلنک می‌گوید: پدرم در سن ۳۹ سالگی تجارت دارو را آغاز کرد و متأسفانه در سن ۴۴ سالگی عینی وقتی که من ۱۵ ساله بودم درگذشت و مادرم که تا آن زمان هیچ تجربه تجاری نداشت کار پدرم را ادامه داد و تجارت پدرم را گسترش داد.

بچه‌ها چشمشان به شماست! شما بزرگ‌ترین الگوی آن‌ها هستید وقتی می‌گویید سخت کار کنید و از اشتباهاتتان درس بگیرید نشان دهید که شما هم سخت کار می‌کنید و از اشتباهاتتان درس می‌گیرید وقتی از آن‌ها می‌خواهید مؤدب و مبادی آداب باشند نشان دهید که شما هم به

### حرف‌هایتان قائلید

#### شیوه افزایش خلاقیت در کودکان

برای ایجاد سؤالات تازه در ذهن کودکان، او را راهنمایی کنید. آموزش به کودک باید طوری \* باشد که او را به طرف پرسشهای تازه هدایت کند. معلم باید هنگام جواب دادن به سؤالات کودک، او را به سمت مهارتهای جدید سوق دهد و از به کار بردن کلماتی مانند بله، خیر، هرگز و امثال آن دوری کند. این نوع جوابها نمی‌تواند ارتباط کاملی بین سؤالات کودک و معلومات قبلی او برقرار کند.

حسن کنجکاوی در کودکان را پرورش دهید. برای این امر، هیچ چیز مثل پاسخهای صحیح و \* مناسب به پرسشهای او موثر نیست. سؤال، در واقع انعکاس از ذهن تشنه‌ای است که می‌خواهد با دریافت جواب از فردی که بهتر از او می‌داند خود را سیراب کند، اگر چه احتیاج، باید فوراً

برآورده شود اما کمی مکث بین سؤال و جواب ، غالباً می تواند افکار و ایده ای مفید جهت مباحثه

. و گفتگو به بار آورد



والدین و مربیان ، نه تنها باید درباره امور مربوط به کودک ، بلکه درباره امور خانه و مدرسه نیز \*  
از او نظر خواهی کنند و عقاید او را مانند عقاید بزرگسالان در حضور خود ، به بحث و گفتگو  
بگذارند .

به عقاید جدید و تازه کودکان احترام بگذارید . کودکانی که به نوعی خلاقیت آنها برانگیخته \*  
شده ، روابط و مفاهیم را درک می کنند . لذا والدین و مربیان آنها ممکن است به آنها توجه  
نداشته باشند و حتی گاهی او عقاید خود را چنان مطرح کند که بزرگسالان قادر به ارزشیابی  
و جایگزینی آنها نباشند ، تشویق کودکان به ابراز عقاید جدید ، می تواند در رشد خلاقیت آنها  
موثر واقع شود .

از مراقبتها و دخالتهای بیش از حد در زندگی کودکان اجتناب کنید . یکی از ویژگیهای انسان \*  
خلاق این است که تواناییش را خودش به کار می اندازد . وظیفه والدین و مربیان این است که این  
قابلیت را در او زنده نگاه دارند و به کودکان اجازه دهند بعضی اوقات مطابق سلیقه خود اشیاء را

کشف کنند . مراقبتها و دخالت‌های زیاد از حد بزرگسالان در زندگی و رفتارهای کودکان ، قابلیت یادگیری مبتکرانه آنها را تضعیف می کند .

از کودکان بخواهید که اشیاء و امور نیمه تمام را تکمیل کنند ؛ از کودکان تقاضا کنید تا جملات نا تمام و داستانهای نا کامل ، تصاویر و نقاشی های نیمه تمام و حتی اشیاء ناقص را کامل نمایند . برای اواسباب بازی هایی بخرید که خودش بتواند آنها را به یکدیگر متصل کند و با آنها مدلهای مختلف خلق کند .

اجازه دهید اشیا را از نزدیک لمس کنند. علاوه بر مشاهده اشیا لازم است کودک آنها را لمس نماید ، زیرا مشاهده شیء به تنهای کنجکاوی کودک را ارضا نمی کند ، کودکانی که از لمس کردن اشیا محروم می شوند توانایی لازم جهت کشف و اختراع را از دست می دهند . مشاهده همراه با لمس اشیا ، آنها را در بازی های خیالی ، اختراعات و پاسخ گویی به آزمونهای خلاقیت یاری می دهد . به کودکان اجازه دهید وسایل بی خطر خانه را لمس نمایند. خصوصا کودکان بیرون کشیدن کابینتها و بازی با کاسه و قابلمه و بشقابها را بسیار دوست دارند وسایل آشپزخانه از داخل

، بستنی یا چیزهای مورد علاقه را نخرید. کودکان را آدامس برای کودکان همیشه یک مارک خاص تشویق کنید در خرید خوراکی و پوشاک ، مدل های مختلفی را امتحان کنند و از خرید کالاهای تکراری و یکسان اجتناب کنید .



کودک را همیشه از یک مسیر خاص به خانه نبرید . زمانی که با او بیرون می روید ، هنگام برگشتن به خانه به او توضیح دهید که می خواهید از یک راه جدید به خانه بروید. او از این طریق در می یابد برای رسیدن به یک هدف راه های مختلفی وجود دارد.

در مورد کاربردهای مختلف یک وسیله خاص از کودکان سؤال کنید . کاربرد ابزارها و وسایل خانه داری ، برای کودک شرح دهید و از او بپرسید: به نظر تو این وسیله چه مختلفی که را در . کاربردهای دیگری می تواند داشته باشد . به این طریق شما ذهن کودک را مستعد می کنید از مکان های جدید دیدن کنید همراه با کودک به نمایشگاهها و موزه های مختلف و طبیعت زیبا \* . بروید ، اجازه دهید او از نزدیک مکان های گوناگون را شناسایی کند

به اتاق او کاغذ های سفید بچسبانید . حدود یک متر از اتاق کودک را از سطح زمین به طرف \* بالا به طور سراسری و افقی کاغذ سفید بچسبانید و به او بگویید هر طور که دوست دارد روی آنها نقاشی و طراحی کند . در تزئین اتاق او از سلیقه اش استفاده نمایید . به او یاد دهید که هر چند روز یک بار محل وسایلش را در اتاق تغییر دهد تا به این وسیله زمینه خلاقیت در او پرورش یابد

*پرورش نبوغ مالی فرزندان*





فرزندانی باهوش، خلاق، کار آفرین و ثروتمند تربیت کنیم

فرزندان ما با دنیای به مراتب متفاوت تری از دنیایی که ما امروز در آن زندگی میکنیم روبه رو خواهند شد. فرصت های مالی بسیار بزرگی خواهند داشت، ولی مشکلات هم به همان بزرگی خواهند بود.

وظیفه اصلی امروز والدین آماده سازی فرزندشان برای آینده ای سرشار از تغییرات است. آینده ای که تنها داشتن هوش و خلاقیت کارایی نخواهد داشت و در کنار تمام توانایی های فرد، نبوغ مالی و شم اقتصادی، جایگاه زندگی او را تعیین خواهد کرد. فارغ از اینکه کودکان ما در آینده چه شغلی داشته باشند بالاخره با پول و مدیریت آن سروکار خواهند داشت.

اگر کودکان آموزش های مالی قدرتمندی در خانه داشته باشند، میتوانند در هر زمینه ای که دوست دارن مشغول کار شوند و در عین حال وضعیت مالی خوبی هم داشته باشند. در واقع شغلی که در آینده، فرزند شما انتخاب میکند از اهمیت کمی برخوردار است و مهم دانش مالی اوست که میتواند زندگی اش را متحول کند!

آموزش های مالی درخانه و همزمان با روزهای آغاز زندگی، آغاز می شود



به جای آنکه فرزندان تربیت کنیم تا برای دیگران کار کنند، فرزندان تربیت کنیم تا با تفکر کارآفرینی، دیگران برای آنها کار کنند. به جای آنکه با مدارک تحصیلی بالا برای افراد کم سواد اما پولدار، کار کنند، افراد با هوش و مدارج بالای علمی و اجتماعی را در راستای اهدافشان مدیریت کرده و نهایتاً بجای آنکه آنها برای پول کار کنند، پول برای آنها کار کند. افرادی که ضمن برخورداری از هوش های چندگانه و خلاقیت کارآمد در تمام جنبه های زندگی، احساس رضایت کاملی از زندگی داشته و شادی و فراوانی نشانه اصلی شان باشد! آموزش های مالی دو وجه بسیار مهم دارد که شروع وجه اصلی آموزش های مالی از روزهای نخست زندگی کودک و وجه دوم آن از حدود پنج، شش سالگی به صورت موازی، در خانه و توسط معلمین اصلی زندگی، یعنی والدین انجام میگیرد.



در سایه ی هوش مالی، موارد مهمی چون: عزت نفس، اعتماد به نفس، قدرت تصمیم گیری، هدف گذاری در زندگی، مدیریت زمان، برنامه ریزی، جرات اعتماد به توانایی های خود، توانایی بهره

گیری از هوش و استعداد های دیگران، مدیریت افراد و ارتباط موثر با دیگران وجود دارد که همگی

آن ها همزمان با تقویت هوش مالی پرورش یافته و در زندگی واقعی فرزندان مان به رشد،

شکوفایی و به ثمر نشستن استعدادهای شان کمک شایانی خواهد کرد

کودکان خود را به مدیران اقتصادی بدل کنید

آموزش مسایل اقتصادی به کودکان را باید از سن کم شروع کرد.

تجربه نشان داده که اگر به کودکان اصول سادهی اقتصاد آموخته شود

آن ها در بزرگسالی بهتر می توانند مسایل مالی خود را مدیریت کنند و

کم تر پول خود را هدر می دهند، در ذیل توصیه هایی برای در میان

گذاشتن مسایل اقتصادی با کودکان و چگونگی طرح این مسایل ، ارایه

می شود

استفاده از چک های شخصی را به کودکان خود یاد بدهید

پول ماهانه ی کودکان خود (پول توجیبی) آن ها را به صورت یک جا

پرداخت نکنید. به آن ها بگویید که در طول یک ماه در آن حدی که

شما در نظر گرفته اید اعتبار دارند. هر زمان که به پولی نیاز داشتند

باید با یک کاغذ به شکل چک آن مقدار پول را دریافت کنند. در

صورتی که در یک ماه مبلغ مورد نظر آن ها از مبلغی که شما در نظر

گرفتید بیش تر شد به آن ها توضیح بدهید که این پول را از حساب ماه

بعد آن ها کسر خواهید کرد. اگر در این شیوه سخت گیری به خرج

دهید آن ها متوجه معنای واژه هایی چون اعتبار داشتن و بدهکار بودن

را به خوبی متوجه خواهند شد

از کودکان خود بخواهید که پس انداز کنند

کودکان و نوجوانان معمولاً به راحتی پول خرج می‌کنند و علاقه‌ای به پس‌انداز کردن ندارند اما باید این مساله را به آنان آموخت که پس‌انداز کردن یکی از بهترین مسایل زندگی پیش روی آنهاست با هدف قرار دادن یک چیز مهم و دوست‌داشتنی برای کودکان، مثلاً یک دوچرخه یا یک بازی کامپیوتری یا یک عروسک می‌توان پس‌انداز کردن را به آنها آموخت. کافی است به کودک تفهیم شود که برای خرید هر کدام از این موارد باید در هر ماه مبلغ مشخصی از پولش را کنار بگذارد و به آن دست نزند. برای تشویق کودک می‌توان پس از چند ماه باقی

مانده‌ی پول را به عنوان جایزه به او داد

آموزش شیوه پس‌انداز

پس از اینکه به کودکان شیوه پس‌انداز کردن را آموختید به آنها بگویید که پس‌انداز کردن را می‌توان در روش‌های مختلف انجام داد. اول پس‌انداز طولانی مدت که بهتر است در این فرم کودکان پول معینی را در هر سال به شما بسپارند تا برای خرید وسایل مورد نیاز خودشان در آینده از آن استفاده کنند

روش بعدی فرم کوتاه‌مدت است که در این روش می‌توان قلک یا جعبه‌ای به کودک داد تا پول هفتگی یا ماهانه خود را در آن نگه دارد و

خود مسوول دخل و خرج آن باشد

در روش بعدی که در نظر گرفتن آن کاملاً اختیاری است می‌توان از

کودک خواست که پول‌های خرد و بسیار کم را که به نظرش ارزشی ندارند برای مصارف خیریه و اعانه دادن پس‌انداز کند، کودک با تمرین پس‌انداز کردن‌های این گونه مفاهیم اقتصادی زیادی را متوجه خواهد شد.

اهمیت مهارت‌های

حرکتی در رشد

### کودک

بچه‌ها با مهارت‌های حرکتی کامل متولد نمی‌شوند، بلکه رشد حرکتی از طریق یادگیری و تمرین اتفاق می‌افتد. تسلط بر مهارت‌های حرکتی، ترکیبی از رشد جسمانی و توسعه‌ی مهارت‌های حرکتی از طریق تمرین است. مهارت‌های حرکتی نه تنها کودک را قادر می‌سازد تا راه برود و بازی کند، بلکه در نوشتن و هنر نیز نقش دارد. بدون رشد مهارت‌های حرکتی کافی، کودک نمیتواند فعالیت بدنی مناسب داشته باشد.

### مهارت‌های حرکتی درشت:

حرکات عضلات بزرگ مهارت‌های حرکتی درشت نامیده می‌شود و فعالیت‌هایی مانند پرتاب کردن و گرفتن توپ، دویدن در یک بازی یا بالا رفتن از یک نردبان را شامل می‌شود. بسیاری از کودکان نوپا و پیش‌دبستانی به این فعالیت‌ها تسلط دارند. بچه‌ها ابتدا به ایستادن قائم و حفظ تعادل تمرکز دارند و به تدریج مهارت‌های ظریف بازو، ساق پا و حرکات نیم تنه بدن اسان‌تر خواهد شد. بین سن ۶-۷ سالگی، بچه‌ها مهارت‌هایی مانند دویدن و پریدن را بهبود می‌بخشند و آنها میتوانند مهارت‌ها را برای حرکات هماهنگ ترکیب کنند. در حالی که دختران نوجوان سطح متوسطی از مهارت‌های حرکتی درشت را به دست می‌آورند. پسران نوجوان سرعت، قدرت و استقامت را در طول سالهای نوجوانی به دست می‌آورند.

## مهارت های حرکتی ظریف

مهارت های حرکتی ظریف حرکات کوچک مانند برداشتن یک قطعه پازل با شست و انگشت اشاره را شامل میشود. بچه ها میتوانند مهارت های حرکتی ظریف را با بازی هایی مثل پازل و مرتب کردن اسباب بازی ها تمرین کند. فعالیت های هنری نیز فرصت های زیادی برای کنترل مهارت های حرکتی ظریف فراهم می کند. برای مثال ترسیم اشکالی مثل دایره و مثلث مهارت هایی لازم جهت نوشتن و روان نویسی است. مهارت های حرکتی ظریف کودکان نقش مهمی در انجام فعالیت های مستقل آنها مانند غذا خوردن و لباس پوشیدن، باز و بستن در و اشاره کردن به یک نقطه دارد. کنترل حرکتی ظریف در سنین کودکی به رشد خود ادامه می دهد. و کودک به سطحی از ثبات و مهارت می رسد. نوجوانان ممکن است مهارت های حرکتی ظریف بیشتری را از طریق تمرینات خاص مانند یادگیری موسیقی کسب کنند.

## فعالیت بدنی

انجام فعالیت بدنی منظم منجر به یک سبک زندگی سالم میشود. فقر مهارت های حرکتی نهایتاً منجر به کاهش در فعالیت های بدنی میشود. برای مثال، اگر یک کودک نو پا در لگد زدن به توپ مشکل دارد، او احتمالاً کمتر در بازی هایی که شامل حرکت میشود شرکت می کند. فقر فعالیت بدنی می تواند به چاقی در دوران کودکی و یا دیگر مشکلات سلامتی منجر شود. علاوه بر این، بسیاری از کارهای گروهی نیازمند حرکت است، به طوری که توسعه مهارت های حرکتی به کودکان در پیشبرد مهارت های اجتماعی شان کمک می کند. فعالیت بدنی همچنین در تخلیه انرژی و تنظیم احساسات موثر است. در اوایل نوجوانی فعالیت بدنی روشی مناسب و ایده آل برای بهبود علائم افسردگی یا اضطراب است که اغلب در این سن ظاهر می شود. ورزش به نوجوان کمک می کند تا با دقت و قدرت بهتری به فعالیت بپردازند.

## بهبود مهارت های حرکتی

مشکلات کنترل حرکتی جدی بسیار نادر است، اما شما با افزایش فرصت ها برای بازی و تمرین می توانید این مهارت را بهبود بخشید. برای مثال، اگر شما کودک نو پایی دارید که هنوز روی پنجه پا راه میرود، برای او کفشی بخرید که وقتی پاشنه اش را بر زمین میگذارد تولید صدا کند. اگر از بازوهایش جهت حفظ تعادل هنگام راه رفتن استفاده نمی کند، به او یک جفغه بدهید و او را تشویق کنید تا هنگام راه رفتن ان را تکان دهد و تولید صدا کند. برای کودکی که در رشد حرکات ظریف مشکل دارد وسایل هنری بخرید، مثلاً بخواهید تا مهره ها را نخ بکشد، بچه های بزرگتر ممکن است از یادگیری یک ساز، خوش نویسی یا کار مکانیکی لذت ببرند. اگر قادر به انجام مداخلات در خانه نیستید کودکان را به یک تیم شنا یا دیگر تیم های ورزشی تابستانی بفرستید. کودک شما باید همه ی این فعالیت ها را یاد بگیرد تا در بزرگسالی عملکرد درستی داشته باشد

### مهارت دست ورزی و راههای تقویت آن

کودکی که مهارت های دست ورزی قوی دارد، در سنین پیش دبستانی قادر به مداد گرفتن و آغاز تمرین نوشتن است ولی کودکی که این مهارت را نیاموخته در سنین دبستان با درشت نویسی، نارسا نویسی و بد خطی مواجه می شود. برخی والدین می گویند کودک علاقه ای به نقاشی ندارد در حالی که کودک مهارت های دست ورزی را به دست نیآورده است. لازم است والدین کنار کودک بنشینند و به نحوه مداد دست گرفتن او نظاره کنند و با تشویق کودک به مدادگیری مهارت دست ورزی را در او افزایش دهند و فعالیت های دست ورزی را با او انجام دهند.

خمیر بازی، نقاشی با دست، گل بازی، تفکیک کردن اجسام، جورچین، مچاله کردن کاغذ،

دوخت و دوز

نمونه هایی از بازی های دست ورزی هستند

## از کجا متوجه شویم این مهارت در فرزندمان شکل گرفته یانه؟

اولین نشانه های مهارت های دستی از قبل از یک سالگی و زمانی که کودک به سمت مادر - دست دراز می کند، شروع می کند شود. با بالا رفتن سن، از یک سالگی به بعد، به شکل قاشق گرفتن در دست و قاشق را به سمت دهان بردن جلوه می کند. از ۲ سالگی به بعد، مهارت ها از نظر درکی شناختی هم افزایش پیدا می کند و کودک می تواند با دست جورچین های ابتدایی را بسازد یا اشکال را بلند کند و به کمک مادر داخل محل مورد نظر بیندازد. قبل از ۳ سالگی، کودک می تواند از گواش، آبرنگ و رنگ انگشتی استفاده کند و بعد از آن توانایی دست گرفتن ماژیک و مداد را دارد.

کودک در ۴ سالگی باید قادر به کشیدن مربع و در ۶ سالگی قادر به کشیدن مثلث باشد. از ۳ شکل می گیرد و مهارت کار با سالگی به بعد کار با قیچی جزو مهارت هایی است که در کودکان در این سن قادر کودکان چسب و چسباندن قطعات جداشده از کاغذ هم از مهارت هایی است که به انجام آن هستند.

### تمرینات تقویت مهارت دست ورزی:

1. با قرار دادن کاغذهای باطله در اختیار کودکان از آنها می خواهیم که بدون استفاده از قیچی، با دست های خود کاغذهای باطله را تکه تکه کنند و سپس هر تکه را با سر انگشتان خود به خوبی مچاله کنند. این فعالیت به خوبی می تواند سر انگشتان کودکان را تقویت کند. با چسباندن تکه های مچاله شده کنار یکدیگر بر روی طرح ساده ای مانند یک ماهی یا یک زنبور و ... می توان به فعالیت کودکان معنای قوی تری ببخشید.

2. بعد از انجام مرحله اول می توان فعالیت دیگری را با کودکان شروع کرد. با در اختیار قرار دادن کاغذهای رنگی باطله، از آنها بخواهیم که با مرور فعالیت قبلی کاغذها را خرد کنند، سپس بعد از



خرد کردن کاغذها همه آنها را در ظرفی بریزند و کمی آب به آن اضافه کنند و حالا با کمک دستان خود خوب ورز دهند. این فعالیت علاوه بر تقویت سر انگشتان، تقویت مچ دست و کف دست را هم به دنبال خواهد داشت و نتیجه کار نو آموزان هم تهیه خمیر کاغذی است که پس از اضافه کردن مقداری چسب چوب می توانند

با این خمیر توپ و یا هر شکل دیگری را درست کنند که بعد از خشک شدن می توانند با سمباده ای نرم نا صافی های آن را از بین ببرند و همین سمباده زدن هم به تقویت عضلات انگشتان آنها کمک زیادی می کند. خمیر و سفال ابزارهای مستقلی هستند که برای این مرحله مفیدند.

حالا کودکان به مرحله ای رسیده اند که با برش کاغذ بدون قیچی آشنایی بیشتری پیدا کرده 3. اند و حالا می توانیم با راحتی بهتری این فعالیت را به آنها واگذار کنیم

با در اختیار قرار دادن کاغذ های رنگی یک رو که در پشت آن خطوط ساده ای ترسیم شده، حالا از کودکان می خواهیم که کاغذ را از روی خطی که در پشت آن کشیده است با کنترل، آرام آرام برش دهند. این کار علاوه بر تقویت مهارت های انگشتان، اهدافی نظیر تقویت تمرکز و هماهنگی چشم و دست را نیز به دنبال خواهد داشت. بعد از برش کاغذ های رنگی حالا کودک می تواند با قرار دادن تکه های رنگی کنار هم مناظر زیبایی را خلق کند

حالا کودکان باید بتوانند با استفاده از ذهن خلاق خود بدون ترسیم خطوط، اشکالی را ببرند و 4. تصویر سازی کنند

بعد از برش با دست حالا می توانیم ابزاری مانند قیچی نوک گرد در اختیار کودکان قرار دهیم و از آنها بخواهیم تصاویر ساده ای را مانند چهار گوش یا سه گوش یا خط ساده ای که از پیش برای آنها ترسیم شده و اندازه کوچکی هم ندارد قیچی کنند و کم کم این مهارت را بالا ببرند و اشکال پیچیده تری را ببرند

**چگونه حواس پنجگانه کودک را تقویت کنیم؟**

برای تقویت حواس کودک وسایل و بازی‌های گوناگونی وجود دارد اما هیچ کدام به اندازه آنچه در طبیعت یافت می‌شود، نمی‌تواند آموزنده و جالب توجه باشد.

برای تقویت حواس کودک وسایل و بازی‌های گوناگونی وجود دارد اما هیچ کدام به اندازه آنچه در طبیعت یافت می‌شود، نمی‌تواند آموزنده و جالب توجه باشد. مثلاً شما می‌توانید با رنگ سیب باعث افزایش حس بینایی، با بوی سیب موجب بالا رفتن حس بویایی و با خوردن سیب باعث پرورش حس چشایی او شوید. با هم برخی راه‌های افزایش حواس پنجگانه را مرور می‌کنیم.

### یک روز خوشمزه را شروع کنید

غذا می‌تواند هر ۵ حس کودک شما را فعال کند. یک روز در ماه را به تهیه یک غذای جدید اختصاص دهید و اجازه دهید فرزندتان با همه حواس پنجگانه خود آن غذا را توضیح بدهد. از او درباره چیزهای بد و خوبی که درباره غذا به نظرش می‌رسد، اعم از صدا، بو، مزه و حس بیشتر

### سوال کنید. بیرون از خانه دنبالش بگردید

به همراه فرزندتان فعالیت‌هایی انجام دهید که حس او را نسبت به بافت‌ها، بوها، صداها، مزه‌ها و دیدنی‌ها تقویت کند. هر جایی برای این کار مناسب است اما بیرون از خانه و طبیعت بهترین انتخاب است. می‌توانید برای این منظور گالری‌های هنری، اجراهای موسیقی و تئاتر و غذاهای متفاوت رستوران‌ها را در نظر بگیرید. آنها مجبور نیستند از همه چیز خوششان بیاید اما نمایش این موارد آنها را حساس و حواس‌شان را تقویت می‌کند.

### نمایشگاه برگزار کنید

اجازه دهید کودک‌تان یک نمایشگاه کوچک برگزار کند. او می‌تواند بافت انواع سنگ‌هایی را که جمع کرده، رنگ لباس‌ها، انواع ادویه‌ها و عطرشان و اسامی انواع گوناگون غذاها با طعم‌های مختلف را برای شما به نمایش بگذارد و درباره آنها توضیح دهد.

### بازی حواس پنجگانه راه بیندازید

یک کیسه پر از چیزهای جالب و هیجان‌انگیز تهیه کنید؛ چیزهای نرم، سفت، زبر و پیچ و تاب‌دار. بعد از فرزندتان بخواهید چشم‌هایش را ببندد و براساس همین حواس تشخیص دهد چه چیزی را برداشته است. بازی‌های دیگری که می‌توانید انجام دهید به صورت مجزا و برای تقویت هر حس است مثلاً برای تقویت شنوایی از کودک‌تان بخواهید صداهای حیوانات و پرندگان مختلفی را که می‌شناسد، تقلید کند.

یک شعر براساس حواس بنویسید

این کار را هر جا و هر موقع که بخواهید می‌توانید انجام دهید، در تعطیلات یا در ماشین. این کار بسیار ساده است: یک موضوع را انتخاب کنید و شعر را طوری تنظیم کنید که در هر خط یکی از حواس گنجانده شود. فرزندتان را تشویق کنید تا از یک کلمه توصیفی استفاده کند. اگر دیدید قافیه ندارد می‌توانید از گنجاندن اسم حس مورد نظر صرف‌نظر کنید.

بهترین روش فرزندپروری چیست؟

با وجودی که هر پدر و مادری در آرزوی فراهم ساختن بهترین امکانات در خانه هستند، اما ممکن است به شیوه صحیحی آن‌ها را در اختیار فرزندانشان قرار ندهند.

سایت سیمرغ: بهداشت روانی کودکان به شیوه تعامل والدین با آن‌ها بستگی دارد. با وجودی که هر پدر و مادری در آرزوی فراهم ساختن بهترین امکانات در خانه هستند، اما ممکن است به شیوه صحیحی آن‌ها را در اختیار فرزندانشان قرار ندهند زیرا هنوز روش منحصر به فردی برای تربیت فرزندان اختراع نشده است.

علتش این است که هیچ دو بچه‌ای شبیه هم نیستند. تفاوت بین بچه‌ها بیش از آن چیزی است که ما معمولاً تصور می‌کنیم. به علاوه، فرهنگ، جامعه، جنسیت و بسیاری عوامل دیگر در تربیت کودکان دخالت دارند.

روان شناسان خاطر نشان می کنند که سبک های متفاوتی برای فرزندپروری وجود دارد. آن ها عقیده دارند که سبک های فرزندپروری را می توان بر حسب دو عامل محبت و کنترل پدر و مادر، به چهار دسته تقسیم کرد.



### (۱) نوع A (کنترل زیاد، محبت کم)

برخی از والدین عقیده دارند که سخت گیری نسبت به فرزندان، بهترین شیوه تربیتی و ضامن موفقیت آن ها در آینده است. در این راستا، برخی از والدین سخت گیری را از اندازه می گذرانند. آن ها فراموش می کنند که هر کودکی به طور طبیعی تمایل به آزادی و استقلال عمل دارد. سخت گیری بیش از حد، روح آزادی را در کودک از بین می برد و این ایده غلط را در او به وجود می آورد که آزاد و مستقل بودن، نامطلوب است. در دنیای پر رقابت امروز، کودک باید دارای اعتماد به نفس باشد. و این نیز تنها از طریق پشتیبانی والدین به دست می آید.

در شرایطی که پدر و مادر تنها سخت گیری و کنترل و نه عشق و محبت را به کار گیرند، فرزندان شخصیت فردی خود را از دست می دهند و در تصمیم گیری های مناسب در زندگیشان ناکام می مانند زیرا همیشه این پدر و مادر بوده اند که تصمیمات لازم را برای آن ها گرفته اند.

روان شناسان به این پدیده، فرزندپروری قدرت طلبانه می گویند. کودکانی که دارای والدین قدرت طلب باشند، استقلال لازم را به دست نمی آورند و در شرایطی که نیازمند تصمیم گیری

باشند، دچار اضطراب می گردند. آن ها تمایل پیدا می کنند که در تمام فعالیت ها نقش دوم را بازی کنند.

این کودکان در بزرگسالی نمی توانند نقش رهبری را بر عهده بگیرند. همیشه این احتمال وجود دارد که آن ها در کلیه زمینه ها احساس زیردستی نسبت به دیگران داشته باشند. در واقع، این کودکان هرگز نخواهند توانست به اهداف مورد نظر خود در زندگی دست یابند.

## ۲) نوع B (کنترل کم، محبت زیاد):

این نوع دیگری از فرزندپروری است که در آن، والدین عشق و محبت بیش از اندازه، بدون اعمال کنترل های لازم را ابراز می دارند. این گونه پدر و مادرها، تحت تأثیر این کج فهمی و سوء برداشت که «روان شناسان با تنبیه مخالفند»، از به کار بردن هر نوع تنبیهی اجتناب می کنند. در واقع، کودکان بر حسب رفتار و اعمالشان، به تنبیه متناسب نیاز دارند.

تشویق و تنبیه تنها شیوه ای است که باعث می شود کودک بین آنچه درست و آنچه نادرست است فرق قائل شود. از طریق تشویق و تنبیه والدین است که ارزش های فرهنگی فرا گرفته می شوند. اگر شرایط ایجاد کند کودک به تنبیه نیاز دارد. اشتباه عمومی این است که از یک طرف، بسیاری از والدین در تنبیه کردن رفتارهای ناسازگار و ناهمخوان نشان می دهند.

کودکی در یک موقعیت برای کاری که کرده است توبیخ می شود و در موقعیت دیگر، انجام همان کار یا نادیده انگاشته می شود و یا حتی مورد تشویق قرار می گیرد. این کار، کودک را گیج می کند و مورد مخالفت روان شناسان قرار دارد. از طرف دیگر، برخی از والدین، حتی در شرایطی که کودک باید تنبیه گردد، از این کار سرباز می زنند و یا با او مخالفت نمی کنند.

روش صحیح و متعادل، پذیرش فرزند و محبت به او، و در عین حال تنبیه او به خاطر برخی کارهاست. این رفتار به کودک این حس را القاء می کند که والدین دوستش دارند اما برخی

رفتارها و اعمال او را تأیید نمی کنند. در شرایط نوع B، کودک احتمالاً لوس بار می آید و الگوهای رفتاری ضداجتماعی و مجرمانه از خود نشان می دهد.

### ۳) نوع C (کنترل کم، محبت کم):

کودک نمی تواند در خلاء عاطفی رشد یابد. اگر والدین هیچگونه عشق و محبتی نشان ندهند، زندگی برای کودک بی ارزش و بی ثمر می شود. کودکان به طور طبیعی بیشتر هیجانی و احساسی هستند تا عقلایی و منطقی. رشد صحیح شخصیت از ترکیب هماهنگ این دو صورت می گیرد. هنر این ترکیب، تنها در صورتی که والدین بتوانند محبت و کنترل را به نسبت صحیح به فرزندشان نشان دهند، به دست می آید. هنگامی که والدین رفتار فرزند را کنترل کنند، او درک می کند که کنترل کردن برای یک زندگی اجتماعی آرام، کاملاً ضرورت دارد. به همین ترتیب، فرزندان نیاز به محبت دارند. هنگامی که فرزند احساس خطر می کند، آغوش مادر به او اطمینان و آرامش می بخشد. تماس بدنی بین مادر و کودک، مطمئناً نخستین شاخص عشق و محبت نزد فرزند است.

همچنان که کودک بزرگ تر می شود، کلمات اطمینان بخش مادر، جای آغوش او را می گیرد. نیازی به ذکر این نکته نیست که بیان عشق و محبت، ضرورت قطعی برای رشد سالم فرزند دارد و در غیاب آن، شخصیت کودک دچار اختلال خواهد شد.

کودکانی که دچار فقر و محرومیت هیجانی و عاطفی باشند نمی توانند شریک خوبی در زندگی زناشویی باشند زیرا پیوند موفق بین زندگی دو فرد از طریق عشق برقرار می گردد. بنابراین، هیجانات باید به شیوه قابل قبولی تنظیم و کنترل گردند. کنترل والدین، راهنمایی لازم برای بیان احساسات و هیجانات را در اختیار فرزندان قرار می دهد.

همچنین ساختار لازم که احساسات در چهارچوب آن بروز داده شوند را در اختیار می گذارد. فرزندپروری بدون کنترل و محبت، مطلوب نیست. به این دلیل است که روان شناسان این نوع فرزندپروری را «غافل و بی مبالا» می نامند.

#### **(۴) نوع D (کنترل زیاد، محبت زیاد):**

از آنچه تا کنون گفته شد کاملاً روشن است که بهترین شیوه فرزندپروری آن است که همراه با کنترل مناسب و محبت کافی باشد. والدین باید بین کودک به عنوان یک انسان از یک سو و رفتارهای کودکانه او از سوی دیگر، تفاوت قائل شوند.

والدین نوع D این فرق را بین کودک و اعمالش قایل می شوند. آن ها کودک را به خاطر رفتارهای پسندیده اش تشویق و به خاطر اعمال ناپسندش تنبیه می کنند.

این والدین رفتار سازگار و همخوانی در ارتباط با فرزندانشان دارند. آن ها فرزندشان را با تنبیه به خاطر رفتاری در یک روز و تشویق به خاطر همان رفتار در روز دیگر، گیج نمی کنند. کودکان نیز همانند همه ما، رفتارهای سازگار را بسیار آسان تر از رفتارهای نامتعادل درک می کنند.

مهم ترین نکته در اینجا این است که هنگامی که کودک برای رفتارش تنبیه شد درک می کند که پدر و مادرش هنوز به او به عنوان یک فرد عشق می ورزند.

نقطه مقابل این، هنگامی است که والدین به طور کلی فرزند را طرد کنند. هنگامی که فرزند حس کند که والدین او را به طور کامل از خود رانده اند، احساس تنهایی و درماندگی خواهد کرد.

این امر می تواند باعث کاهش اعتماد به نفس کودک گردد و به افسردگی، پرخاشگری، قطع عضو و حتی خودکشی او بیانجامد. روان شناسان، فرزندپروری نوع D را «موثق» می نامند.